

کاروانسرای بدشت

میثم لباف خانیکی

عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

نگین طباطبایی

دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰

چکیده

در مسیر طولانی راه بزرگ خراسان بناهای عام المنفعه (خدماتی) بسیاری از قبیل ساباطها، کاروانسراها، مهمانسراها، و آب‌انبارها احداث شده است که هر یک به نوعی به ارائه خدمات به مسافران می‌پرداخته‌اند. کاربری خاصی که برای هر یک از بناهای میان‌راهی مزبور در نظر گرفته شده بود، شکل و نقشه خاصی را برای آن سازه معماری تعریف می‌کرد. یکی از بناهای بحث‌برانگیز که در این مسیر احداث شده است، کاروانسرای بدشت است که از هنجار معمول در الگوی معماری کاروانسراهای ایران پیروی نمی‌کند. عوامل دیگری از قبیل موقعیت مکانی این بنا و نقش آن در رفتارهای فرهنگی مردم منطقه، بر زوایای مجهول کاربری اصلی این بنا می‌افزاید. در این مقاله با توجه به عناصر معماری به‌کاررفته در بنا، کاربری احتمالی کاروانسرای بدشت توضیح می‌شود.

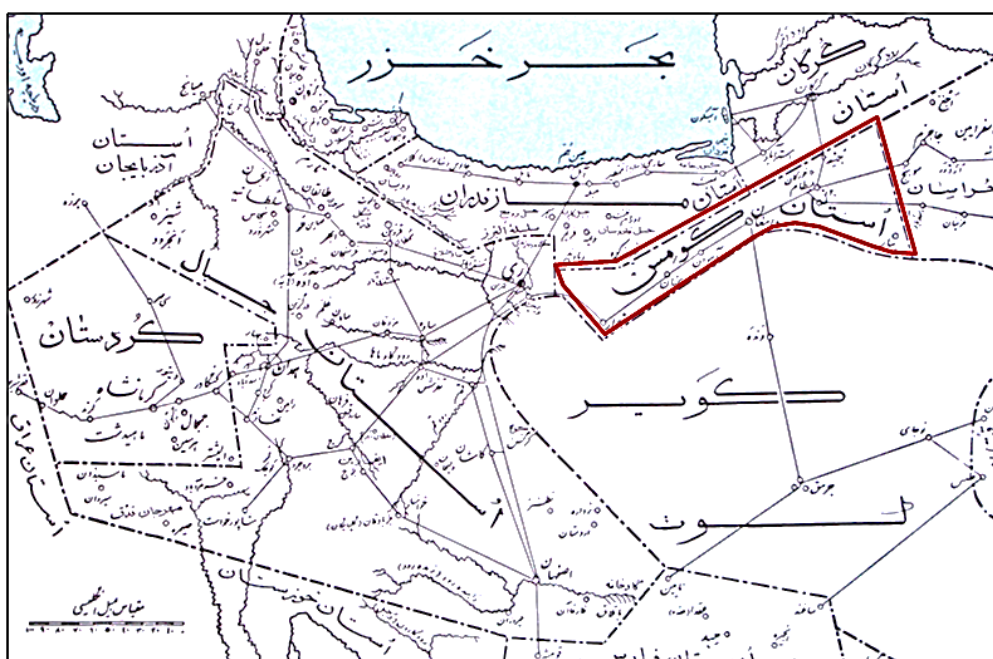
واژه‌های کلیدی

قومس، شاهرود، بدشت، کاروانسرای بدشت، راه بزرگ خراسان، معماری، باستان‌شناسی.

استراتژیک و بازرگانی این منطقه در طول تاریخ شده است. شهر شاهرود امروزی در یکصد سال اخیر گسترش یافته است، اما وجود شهرهای تاریخی پروتقی همچون بسطام در جوار این شهر نشان از اهمیت این منطقه دارد. بر اساس گزارش اصطخری، جغرافی‌نویس قرن چهارم هجری، بسطام یکی از مراکز صادرات میوه به عراق بوده است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۱۹). این مطلب را مقدسی، دیگر جغرافی‌نگار قرن چهارم هجری نیز تأیید می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۲۱). شاهرود و بسطام در کنار دامغان و سمنان عمده‌ترین مراکز سکوتی ایالت قومس را تشکیل می‌داده اند (نقشه ۱) و قومس به عنوان یکی از مهم‌ترین منزلگاه‌های مسیر راه بزرگ خراسان، همواره مورد توجه سیاحان و جغرافی‌نویسان بوده است. اصطخری درباره این منطقه چنین نوشته است: «از قومس جامه‌های به غایت لطافت و کمال حذاقت مرتفع می‌شود و به شهرهای دور از آن حمل و نقل می‌کنند» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۱۹).

دشت شاهرود به استناد آثار تاریخی و محوطه‌های باستانی (کورش روستایی، ۱۳۸۰) و به شهادت مورخان و جغرافی‌نویسان متقدم، بستر مناسبی برای تداوم استقرارهای انسانی بوده است. وضعیت مساعد و پایدار جغرافیایی و زیست‌محیطی موجب شده است که در نقاط مختلف شهرستان شاهرود شاهد تپه‌ها و محوطه‌های باستانی و آثار و بناهای متعدد تاریخی شامل مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، آرامگاه‌ها، مقابر بزرگان، چله‌خانه‌ها، مناره‌ها، قلعه‌ها، آب‌انبارها، حمام‌ها، بازارها، یخدان‌ها، و کاروانسراها باشیم. هر یک از آثار تاریخی نشانگر تلاش‌های پویا و مستمر بانیان و سازندگان تمدنی است که تدریجاً در این سامان ریشه گرفته است و زمینه‌ساز زایش هنرهای گوناگون به‌ویژه در طول دوران اسلامی شده است (شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۷۷).

موقعیت شاهرود بر سر سه‌راهی که از یک طرف به مناطق غربی ایران، از یک طرف به شرق و از سوی دیگر به شمال فلات ایران منتهی می‌شد، باعث اهمیت



نقشه ۱. محدوده ایالت قومس در قرون اولیه دوران اسلامی (مأخذ: لسترنج، ۱۳۷۳).

ابن حوقل در قرن چهارم هجری (۱۳۴۵: ۱۲۶)، مقدسی در قرن چهارم (۱۳۶۱: ۵۵۰) و ادیسی در قرن ششم هجری (۱۴۰۹: ۶۸۵) بدش یا بدش را در حد فاصل حداده و مورجان قرار داده اند. با توجه به فاصله‌ای که بدش از میمند و مورجان داشته (۱۲ فرسخ) می‌توان میمند یا میمند را منطبق بر مورجان دانست.

پراکندگی قطعه سفال‌های مربوط به دوره تیموری، صفوی، و قاجار در حومه شمالی روستای بدش نیز گواهی بر رونق این سکونتگاه از حداقل پنج قرن پیش تا به امروز است. در روستای بدش چهار قلعه تاریخی وجود دارد که دو قلعه آن به هم متصل اند و قلاع دیگر در جنب دو قلعه مذکور واقع شده اند (حقیقت، ۱۳۶۲، ۳۴۸). هر یک از بخش‌های چهارگانه بدش به نام‌های قلعه بالا (غرب بدش)، قلعه پایین (شرق بدش)، قلعه کهنه (شمال بدش) و قلعه نو (جنوب بدش) شناخته می‌شوند.

در گذشته اقتصاد و معیشت مردم روستای بدش بر پایه کشاورزی استوار بوده است ولی امروزه به علت خشکسالی و حفر بی‌رویه چاه‌های عمیق در منطقه، کشاورزی رونق گذشته را ندارد. در ایام قدیم انواع محصولات کشاورزی در این روستا تولید می‌شد. چنان‌که محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله مورخ عصر ناصرالدین‌شاه قاجار در کتاب *مطلع الشمس* نوشته:

«باغات بدش انگور و هلو و زرد آلو و توت و غیره دارد و گندم و جو و صیفی‌کاری یعنی خربزه و هندوانه بسیار به عمل می‌آید» (صنیع‌الدوله، ۱۳۵۵: ۲۴۹). بر اساس گفته اهالی محل تا چندی پیش چشمه‌ای به نام منقر در شش کیلومتری روستا، آب مورد نیاز برای کشاورزی روستای بدش و روستاهای همجوار را تأمین

می‌کرده است. این چشمه که در سال ۱۳۰۳ ق مورد اشاره اعتماد السلطنه قرار گرفته است (همان، ۲۴۹) از کوه‌های بسطام سرچشمه می‌گرفته و آب آن به روستای بدش سرازیر می‌شده است. خشکسالی‌های پی‌درپی و حفر چاه‌های عمیق سبب خشک شدن آب این چشمه در سال‌های اخیر شده است.

نام روستای بدش در متون متعددی از دوره قاجار مورد اشاره قرار گرفته است. علی‌نقی حکیم‌الممالک، به سال ۱۲۸۶ ق در کتاب *شرح سفر اول ناصرالدین‌شاه قاجار* نوشته است: «بدش قریه‌ای آباد و تیول محمدرحیم‌خان قاجار است» (حکیم‌الممالک، ۱۳۵۶: ۸۷). وی در جای دیگری درباره بدش اضافه می‌کند: «این ده... در نهایت معمور و آباد و آب آن از چشمه‌ای است که یک فرسنگ بالای ده واقع است» (همان، ۹۶-۹۷). صنیع‌الدوله نیز در کتاب *مطلع الشمس* می‌آورد: «در یک فرسخی شاهرود دهکده بدش است که صد و پنجاه خانوار سکنه دارد» (صنیع‌الدوله، ۱۳۵۵: ۲۴۹). همچنین در کتاب *سه سفرنامه* که در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار نوشته شده، آمده است: «بدش خیلی آب و زراعت و یک کاروانسرای شاه‌عباسی دارد» (شیندلر، ۱۳۵۶: ۱۸۳). غلامحسین افضل‌الملک نیز در سال ۱۳۲۰ ق بدش را قریه‌ای بسیار آباد در یک فرسخی شاهرود توصیف کرده است (افضل‌الملک، بی تا: ۳۲).

وجود آثار تاریخی متعدد در محدوده روستای بدش بر قدمت تاریخی این روستا صحنه می‌گذارد. علاوه بر خانه‌های قدیمی با کاربردی‌ها و گچبری‌های استادانه در سردر ورودی، می‌توان به یخدان قدیمی و نیز تپه باستانی موسوم به تپه قلعه اشاره کرد که در جنوب - غرب روستای بدش قرار گرفته است (تصویر ۱).



تصویر ۱. عکس هوایی از روستای بدشت و آثار تاریخی پراکنده در محدوده آن (مأخذ: Google earth)

درجه و ۳ دقیقه و ۲ ثانیه طول شرقی قرار گرفته است. این کاروانسرا در فاصله ۴۵۰ متری جنوب شرق راه ارتباطی شاهرود به سبزوار واقع شده است. کاروانسرای بدشت برای نخستین بار توسط محمدیوسف کیانی و ولفرام کلایس بررسی شد و پلانی از آن تهیه شد. در این پلان به علت وجود آوار بسیاری از عناصر معماری، با دقت لازم نشان داده نشده است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۳۸۷). دفتر فنی استان سمنان وابسته به سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران نیز نقشه‌ای از کاروانسرای بدشت تهیه کرده است که در آن عوارض معماری دقیق‌تر به نمایش درآمده است (شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۰۲). سال‌ها بعد، کوروش روستایی در راستای طرح بررسی باستان‌شناسی شاهرود به توصیف مختصری از این بنا

بر اساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده و نخستین لایه‌های استقراری در تپه قلعه به دوره هخامنشی بازمی‌گردد، یخدان مزبور مربوط نیز به دوره صفوی است. اما آنچه اهمیت روستای بدشت را به عنوان سکونتگاهی مهم و تأثیرگذار در مسیر راه خراسان نشان می‌دهد بنای کاروانسرای بدشت است که علاوه بر آنکه قدمت این روستا را بیان می‌کند بر اهمیت این منزلگاه و کار ویژه منحصر به فرد بدشت در دوره صفوی شهادت می‌دهد.

کاروانسرای بدشت

کاروانسرای بدشت در شمال غرب روستای بدشت در ۳۶ درجه و ۲۵ دقیقه و ۲۸ ثانیه عرض شمالی و ۵۵

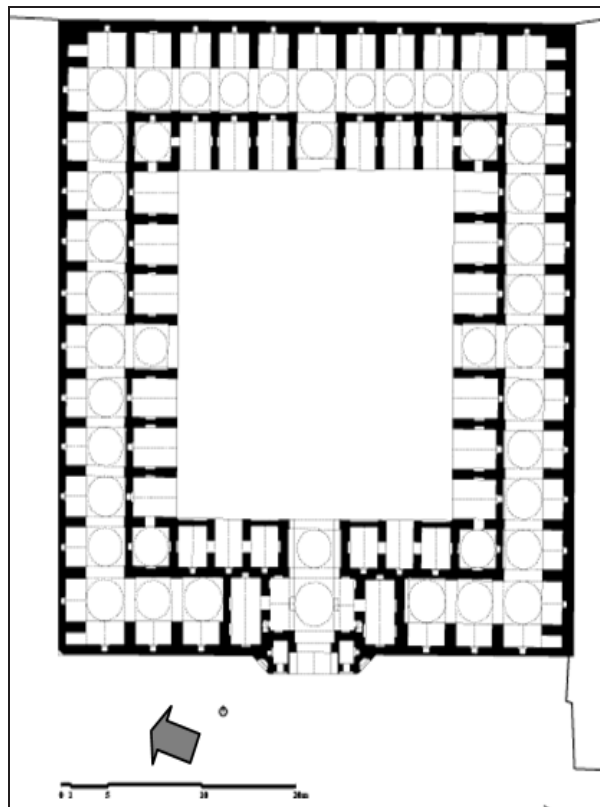
در پی بررسی میدانی که نگارندگان در سال ۱۳۸۸ از کاروانسرای بدشت به عمل آوردند سعی شد توصیف دقیق‌تری از بقایای بنا ارائه شود. اهمیت توصیف دقیق آنجا معلوم می‌شود که بدانیم امروزه در قیاس با بازدید آقای کیانی در اوایل دهه ۱۳۷۰ خورشیدی بخش زیادی از بنا تخریب شده است و فقط ۳۰ درصد کل بنا برجاست. بنابراین توصیف دقیق همین آثار خواهد توانست اطلاعات مفیدی را برای مطالعات آینده فراهم سازد.

کاروانسرای بدشت بنایی است با قاعده مستطیل-شکل به طول ۶۰/۷ و عرض ۵۵/۳ متر که حیاطی با ابعاد ۲۹/۴ × ۳۳/۲ متر در میانه آن قرار گرفته است (نقشه ۳). این حیاط با ردیف ایوان‌ها و حجره‌ها محصور شده است. ایوان‌های چهارگانه پیرامون صحن کاروانسرای بدشت در چهار جهت فرعی قرار گرفته اند. در طرفین ایوان ورودی (ایوان جنوب غربی) دو ایوانچه قرار دارد که هر یک به دو اتاق جانبی راه می‌یابد. در دو طرف سه ایوان دیگر، سه حجره واقع شده که در دیوار انتهایی هر کدام یک بخاری (اجاق/ شومینه) تعبیه شده است. دو حجره از حجره‌های ضلع شمالی در پی مرمتی که در سال‌های اخیر صورت گرفته است دارای پوشش شده است اما پوشش حجره‌های ضلع جنوبی به کلی فرو ریخته است. هر یک از حجره‌های اضلاع شمال غرب، شمال شرق، و جنوب شرق کاروانسرا دارای یک بخاری در دیوار انتهایی و دو طاقچه بر روی دیوارهای جانبی است. بخاری یکی از عناصر ثابت کاروانسراهای ایران به خصوص کاروانسراهای عصر صفوی به شمار می‌رود (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۷) و از طاقچه‌ها برای قرار دادن

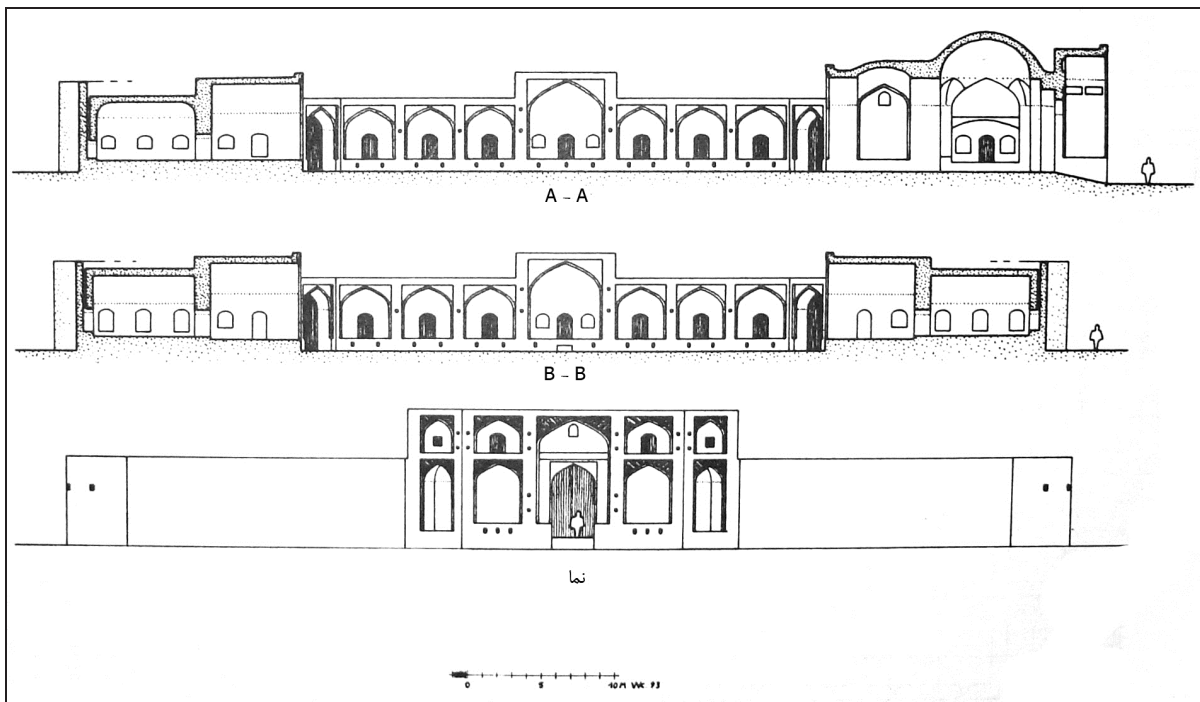
وسایل کوچک و یا وسیله روشنایی همانند پیه‌سوز استفاده می‌شد. به همین سبب سقف برخی از طاقچه‌ها در کاروانسرای بدشت آثار دودخوردگی دیده می‌شود.

در کاروانسرای بدشت بر خلاف عرف معمول در ساختار دیگر کاروانسراها (هیلن برن، ۱۳۸۰: ۳۳۱؛ حاجی قاسمی، ۱۳۸۴؛ کیانی و کلایس، ۱۳۷۳)، حجره‌ها فاقد ایوانچه اند و دسترسی به حجره‌ها بدون عبور از ایوانچه صورت می‌پذیرد. این ویژگی منحصر به فرد، امکان تابستانی بودن کاروانسرای بدشت را مطرح می‌سازد. در پوشش هر یک از حجره‌های پیرامونی از دور «پنج او هفت» تند استفاده شده است (تصویر ۲). علاوه بر فضاهای توصیف‌شده، چهار اتاق مربع‌شکل نیز در چهار گوشه صحن تعبیه شده است که دو اتاق ضلع ورودی با یک بازشو و دو اتاق ضلع روبه‌رو با دو بازشو در دیوارهای جانبی به حجره مجاور راه می‌یابد. در دیوار انتهایی این فضاها نیز یک بخاری وجود دارد.

کاروانسرای بدشت، کاروانسرای یک طبقه است و محور تقارن آن در راستای شمال شرقی - جنوب غربی است. این بنا در زمرة کاروانسراهای چهارایوانی قرار می‌گیرد. احداث بنای چهارایوانی با حیاط باز مرکزی از دوره اشکانی در معماری ایرانی دنبال شده است. در دوران اسلامی از طرح چهارایوانی در بناهای مذهبی و غیر مذهبی شامل مدارس، مقابر، مساجد و کاروانسراها استفاده شده است. به‌خصوص از دوره سلجوقی به بعد کاروانسراهای زیادی با پلان چهارایوانی احداث شد و این طرح در دوره صفوی به اوج خود رسید (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۱۴) (نقشه ۴)



نقشه ۳. پلان کاروانسرای بدشت (مأخذ: شرکت مهندسين مشاور پديده صامت).



نقشه ۴. مقطع و نمای کاروانسرای بدشت (مأخذ: کیانی و کلايس، ۱۳۷۳، ۳۸۸).



تصویر ۲. اضلاع شمال شرق و جنوب شرق صحن کاروانسرای بدشت (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۳. اصطبل شمالی (مأخذ: نگارندگان).

در بخش مرکزی دیوار انتهایی هر ایوانچه و درست بر بالای سکو نیز یک بخاری وجود دارد. دو روزن نیز در بالای اسپر ایوانچه‌ها تعبیه شده که با توجه به راستای دید آنها، می‌توان گفت علاوه بر مجرای تهویه و نور به عنوان تیرکش و پنجره‌ای برای دیده‌بانی نیز کاربرد داشته است (تصویر ۴).

سه ایوان واقع در شمال غرب، شمال شرق، و جنوب غرب به منزله راهرویی، فضای سرتاسری اصطبل را با صحن مرکزی مرتبط می‌سازند. (تصویر ۳) اصطبل یا مال‌بند کاروانسرای بدشت، همانند دیگر کاروانسراهای دوره صفوی دالانی است که به موازات ضلع بیرونی بنا، حجره‌ها و حیاط را در بر می‌گیرد. پوشش این فضا مرکب است از ۳۴ چشمه طاق با چفد پنج او هفت کند که در میان هر دو لنگه، تویزه یک ایوانچه قرار گرفته است. در انتهای هر ایوانچه سکویی به ارتفاع ۵۰ تا ۷۵ سانتی‌متر تعبیه شده است. این صفتها در واقع تختگاه ستوربانان و خربندگان را تشکیل می‌داد (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۲۳۵). البته این سکوها، در وضع فعلی بنای کاروانسرای بدشت، یا مدفون شده اند و یا به علت بهره‌برداری مجدد از آجرها تخریب و نابود شده اند و صرفاً به واسطه بیرون‌زدگی آجر در پایین دیوارهای مجاور می‌توان به وجود آنها پی برد. این آجرهای بیرون‌زده که اصطلاحاً تخمین نامیده می‌شوند به منظور تعیین حد بالای کف سکو در دیوارهای مجاور تعبیه می‌شد.



تصویر ۵. نمای سردر ورودی کاروانسرای بدشت (مأخذ: نگارندگان).

ساختار سردر ورودی از سبک معمول در احداث کاروانسراهای دشت پیروی کرده است. در این گونه از کاروانسراها بر فراز دروازه ورودی و روی ایوان جبهه مقابل ورودی، اتاق یا اتاق‌هایی برای نگهبانان، کاروانسرادار یا سایر مأموران ساخته می‌شد (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۵).

ایوان ورودی کاروانسرای بدشت که در دو جانب خود دارای سکوهایی برای نشستن است، در انتها به واسطه درگاهی که با طاق کلیل پوشش یافته به فضای هشتی راه می‌یابد. هشتی کاروانسرا را فضایی مستطیل-شکل تشکیل می‌دهد که بخش مرکزی آن با سقف گنبدی پوشیده بوده است. در وضع فعلی، بخش عمده‌ای از این گنبد فرو ریخته است. در شمال غرب و جنوب شرق هشتی، فضاهای مستطیل‌شکلی به منظور استقرار نگهبانان در نظر گرفته شده است. این فضاها که در حد فاصل هشتی و اصطبل قرار گرفته اند فقط توسط یک در به فضای هشتی مرتبط هستند. هشتی از جانب شمال شرق به واسطه ایوانی گنبددار به صحن مرکزی کاروانسرا راه پیدا می‌کند. بخش مرکزی این گنبد نیز تخریب شده است.

مصالح به‌کاررفته در جرزها و سقف فضاهای



تصویر ۴. یکی از ایوانچه‌های اصطبل جنوبی (مأخذ: نگارندگان).

دستگاه ورودی کاروانسرا، شامل سردر و هشتی و ایوان جنوب شرقی است. سردر که از نمای اصلی پیش‌تر آمده است از یک ایوان ورودی رفیع تشکیل یافته که در هر طرف آن دو حجره و دو طاق نما به صورت متقارن در دو طبقه تعبیه شده است (تصویر ۵). بهره‌گیری از چنین ساختاری را در ورودی اغلب کاروانسراهای دوره صفوی همچون کاروانسراهای کوهپایه اصفهان، آهوان سمنان، میاندشت شاهرود، دهنمک گرمسار، شاه‌عباسی نطنز، و شاه‌عباسی نیشابور شاهد هستیم (حاجی قاسمی، ۱۳۸۴).

در دو لچکی طرفین طاق پنج او هفت ایوان از ترکیب خفته‌راسته آجرها برای تزئین سردر ورودی استفاده شده است. بخشی از تیزه طاق ایوان ورودی فرو ریخته است. دو حجره طبقه پایین در طرفین ایوان ورودی اتاق‌هایی کوچک است که دارای بخاری است. حجره‌های طبقه بالا نیز به واسطه راه‌پله‌ای که به هشتی منتهی می‌شود با فضاهای طبقه پایین دسترسی دارند. حجره‌های فوقانی احتمالاً به مثابه محلی برای دیده‌بانی توسط پاسداران و کاروانسرادار بوده است (کیانی، ۱۳۷۹، ۲۷۱).

وز قضا نیز سال تاریخش

شد رباط وزیر شیر علی

۱۰۵۵ هجری

کاتبه و بانیه محمدتقی الحسینی المرعشی».

به استناد کتیبه فوق کاروانسرای بدشت در دوره صفوی و

در زمان سلطنت شاه عباس دوم احداث شده است.

تحلیل فضایی و شناخت کاربری

کاروانسرای بدشت را بر اساس عناصر معماری شاخص می‌توان به دوره صفوی منتسب ساخت. عمده‌ترین ویژگی‌های معماری این دوره که در بنای بدشت نیز تجلی یافته عبارت است از: ساده شدن شکل پلان به صورت مربع یا مستطیل در ساختمان و فضاهای معماری، استفاده از هندسه ساده و شکل‌ها و خط‌های شکسته در آجرکاری و تزیینات ساده بنا، پیمون‌بندی، و بهره‌گیری از اندام‌ها و اندازه‌های یکسان در ساختمان (پیرنیا، ۱۳۸۲، ۲۷۹). کتیبه تاریخ‌دار بنا و متون تاریخی نیز شاهد قاطعی بر صفوی بودن کاروانسرای بدشت به شمار می‌روند. عدم استفاده از تزیینات شاخص در بنای کاروانسرای بدشت تأییدی است بر نظارت مرکزی دولت صفوی بر احداث این کاروانسرا (هیلن برند، ۱۳۸۰: ۳۶۶).

اما آنچه کاروانسرای بدشت را از دیگر کاروانسراهای مسیر راه بزرگ خراسان متمایز می‌سازد، ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که در ساختار و پلان این بنا مشاهده می‌شود. این ویژگی‌ها بدون شک متأثر از کاربری خاص این اثر است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های منحصربه‌فرد در بنای کاروانسرای بدشت دسترسی مستقیم و بلاواسطه حجره‌ها به صحن میانی کاروانسرا است. به عبارت دیگر حجره‌ها، فاقد ایوانچه هستند و دسترسی به حجره‌ها بدون عبور از ایوانچه صورت می‌پذیرد. شایان ذکر است که نمونه این پلان در کل ایران

کاروانسرای بدشت آجرهایی به ابعاد ۲۲×۲۲ سانتی‌متر است که توسط ملات گچ و ماسه تثبیت شده‌اند. در شالوده دیوارها از سنگ‌های لاشه و ملات آهک و گل استفاده شده است. این گونه مصالح در اغلب کاروانسراهای ایران استفاده شده است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۸). ازاره کاروانسرای بدشت (۱ تا ۱/۵ متر از کف) در سال‌های اخیر طی عملیات پی‌بندی، مرمت شده است. اما مرمت نادرست به تحریف عناصری همچون اخیه‌های پیرامون صحن و حذف پلکان ورودی به حجره‌ها منجر شده است. در حال حاضر آسفالت کف صحن مرکزی و استفاده از حیاط به عنوان زمین بازی، سازه‌های فرسوده کاروانسرای بدشت را تهدید می‌کند.

در گوشه جنوبی بنا یک برج با پلان چهارضلعی مستقر شده است. کف فضای برج با سه پله به پشت بام راه می‌یابد. به نظر می‌رسد در سه زاویه دیگر هم این برج‌ها وجود داشته‌اند. اما در بازسازی‌های اخیر به وجود آنها توجهی نشده و زوایای بیرونی کاروانسرا به صورت قائمه نوسازی شده است. شایان ذکر است که کف برج باقی‌مانده آجر فرش شده است.

ظاهراً در دوره قاجار کتیبه‌ای بر سر در کاروانسرای بدشت نصب بوده که از سنگ مرمر ساخته شده بود. خوشبختانه توصیف مفصلی از این کتیبه در کتاب مطلع-الشمس آمده است (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۵: ۲۴۹). بر اساس توضیحات مندرج در این کتاب متن کتیبه چنین بوده است:

«هو الاعلی

شکرالله که بهر راحت خلق

از تقاضای قسمت ازلی

بنده عاجزی بنای نمود

این سرا [را] ز فیض لم یزلی

بسیار محدود است و با نگاهی به پلان کاروانسراهای ایران به استثنایی بودن پلان‌هایی نظیر کاروانسرای بدشت پی می‌بریم (رک: هیلن برند، ۱۳۸۰: ۳۳۱؛ حاجی قاسمی، ۱۳۸۴؛ کیانی و کلایس، ۱۳۷۳). چنین پلانی در میان کاروانسراهای ایران علاوه بر کاروانسرای بدشت فقط در کاروانسرای مقصودیگ واقع در جاده امین‌آباد - شهرضا به چشم می‌خورد. همچنین در شهرستان لارستان (جنوب استان فارس) نمونه این پلان در چند کاروانسرا دیده می‌شود. البته بناهای شهرستان لارستان بیش‌تر به خانه‌های کوچک بین‌راهی شباهت دارند و فقط شامل چند اتاق در اطراف میانسرا هستند. در حالی‌که در کاروانسرای بدشت تعداد حجره‌ها بیش‌تر است و در پشت حجره‌ها نیز اصطبل قرار دارد. علت حضور این نوع از بناها در شهرستان لارستان نیز به سبب نوع اقلیم و آب‌وهوای گرم منطقه است که ایجاب می‌کند حجره‌ها فاقد ایوانچه باشند و مستقیم به میانسرا باز شوند.

اما عدم وجود دیواری که فضای حجره‌های کاروانسرای بدشت را محدود ساخته و امکان اقامت و استراحت را در زمستان‌های سرد منطقه شاهرود فراهم آورد، تردیدهایی درباره کاربری بنای کاروانسرای بدشت ایجاد می‌کند. هوتوم شیندلر که در سال ۱۲۵۹ [ق] از روستا و کاروانسرای بدشت بازدید کرده درباره این روستا چنین نوشته است: «... پنج میل از شاهرود، ده بزرگ واقع است بدشت نام. در این ده هر چه زوار به سمت مشهد مقدس می‌خواهد برود جمع می‌شود، از اینجا با توپ حرکت می‌کنند...» (شیندلر، ۲۵۳۶: ۱۸۳). از توصیفات شیندلر چنین بر می‌آید که زائرنی که از نواحی غربی عازم مشهد بوده اند در روستای بدشت جمع می‌شدند و در یک روز خاص همگی با هم سفر به مشهد را آغاز می‌کرده‌اند. نظیر این اتفاق امروز هم در اردوگاه حج‌جایی که عازم مکه هستند رخ می‌دهد. عزیمت زائرن

از بدشت به طرف مشهد اتفاق آن‌چنان مهمی بوده که برای آن توپ شلیک می‌شده است. «توپ در کردن» در آن زمان و قبل از آن فقط به مناسبت‌های مهمی همچون اعیاد ملی و مذهبی یا وقوع اتفاقات خاص صورت می‌گرفته است (مثلاً رک. اولناریوس، ۱۳۶۳: ۵۵ و ۸۰؛ اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۱؛ بیت، ۱۳۶۵: ۱۳۲؛ کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴). زائرنی که در مسیر سفر به مشهد به بدشت می‌رسیدند نیاز به مکانی برای استقرار موقت و اجتماع داشتند که احتمالاً کاروانسرای بدشت این امکان را فراهم می‌آورده است. در واقع کاروانسرای بدشت میعادگاهی بوده برای اجتماع زائرنی که از اقصی نقاط غرب ایران راهی مشهد بوده‌اند. شاید به همین خاطر بوده که پس از آنکه تعداد زائرن به حد نصاب معینی برای تشکیل کاروان می‌رسیده، عزیمت به سمت مشهد آغاز می‌شده است. چه بسا کاروانسرای بدشت برای مسافرانی که عازم حج بودند نیز کاربردی مشابه داشته است. چرا که یاقوت و سپس ابن بغدادی در قرن هفتم هجری از بدشت به عنوان منزلگاهی بر سر راه حجاج یاد کرده‌اند (حموی بغدادی، ۱۹۹۵: ۲۷۹؛ ابن عبدالحق بغدادی، ۱۴۱۲: ۱۳۶۷). از این رو کاربری کاروانسرای بدشت با دیگر کاروانسراها اندکی تفاوت داشته است.

این تفاوت هنگامی پررنگ‌تر می‌شود که به موقعیت مکانی کاروانسرای بدشت نیز توجه کنیم. نزدیک بودن کاروانسرای بدشت با بافت قدیمی روستای بدشت سؤال‌برانگیز است. در حالی‌که بیش‌تر کاروانسراها فاصله‌ای قابل توجه با سکونتگاه‌های دائمی دارند، کاروانسرای بدشت در فاصله کم و تقریباً در مجاورت روستای بدشت قرار گرفته است. فاصله چشمگیر کاروانسراها با مراکز استقرار را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که اگر سکونتگاهی در مسیر راه کاروانرو قرار داشته، دیگر نیازی به احداث کاروانسرا نبوده و کاروانیان

می‌توانسته اند احتیاجات خود را به واسطه بهره‌گیری از امکانات آن روستا برآورده سازند. پراکندگی قطعه سفال-های مربوط به قبل از دوره صفوی در حومه شمالی روستای بدشت و در فاصله اندکی از کاروانسرا و نیز گزارش متون جغرافیایی مبنی بر موجودیت روستای بدشت در حداقل ۷۰۰ سال قبل از بنای کاروانسرای بدشت بر پیچیدگی ارتباط کاروانسرا با سکونتگاه مجاورش می‌افزاید. بر اساس شواهد فوق، نمی‌توان شکل‌گیری روستای بدشت را تابعی از وجود کاروانسرای بدشت تصور کرد. به احتمال زیاد کاروانسرا در زمانی احداث شده که زندگی در روستای بدشت جریان داشته است. اگرچه از این بنا همواره به عنوان کاروانسرا یاد شده است، اما احتمالاً علاوه بر مسافران جاده ری - خراسان، اهالی روستای بدشت نیز از این سازه معماری بهره‌مند می‌شده‌اند. آنچنان که از آداب و رسوم مردم استان سمنان برمی‌آید، مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی در این منطقه در حسینیه‌های بزرگی اجرا می‌شده که دارای ظرفیت کافی بوده است و جمعیت زیادی در آن جا می-

گرفته است. از آن جمله تکیه بزرگ ناسار در شهر سمنان است که دارای غرفه‌ها و طاق‌نماهای تحتانی و فوقانی است. تعزیه‌خوان‌ها در مرکز صحن این حسینیه به اجرای مراسم شبیه‌خوانی می‌پرداخته‌اند (پناهی سمنانی، ۱۳۷۴: ۲۷۵). روستای بدشت فاقد تکیه یا حسینیه وسیع به منظور برگزاری مراسم تعزیه است و به گفته اهالی کهنسال روستا، تا چند دهه قبل مراسم عزاداری ماه محرم در داخل کاروانسرا برگزار می‌شده است. برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم که هنوز هم در مجاورت کاروانسرای بدشت اجرا می‌شود، شاید نشانه‌ای باشد از اجرای مراسم در صحن کاروانسرای بدشت در سال‌های گذشته (تصویر ۶). شکل منحصربه‌فرد پلان کاروانسرای بدشت (ایوانچه-های پیرامونی فاقد حجره) که کل بنا را به شکل یک تکیه جلوه می‌دهد نیز محیط مناسبی برای برگزاری مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی فراهم می‌سازد. بنابراین دور از ذهن نیست که از این بنا، علاوه بر اقامت کاروانیان و اجتماع زائران، به عنوان محلی برای تجمعات عمومی اهالی روستای بدشت نیز استفاده شده باشد.



تصویر ۶. نخلی که در مراسم عزاداری ماه محرم استفاده می‌شود در کنار کاروانسرای بدشت (مأخذ: نگارندگان).

نتیجه‌گیری

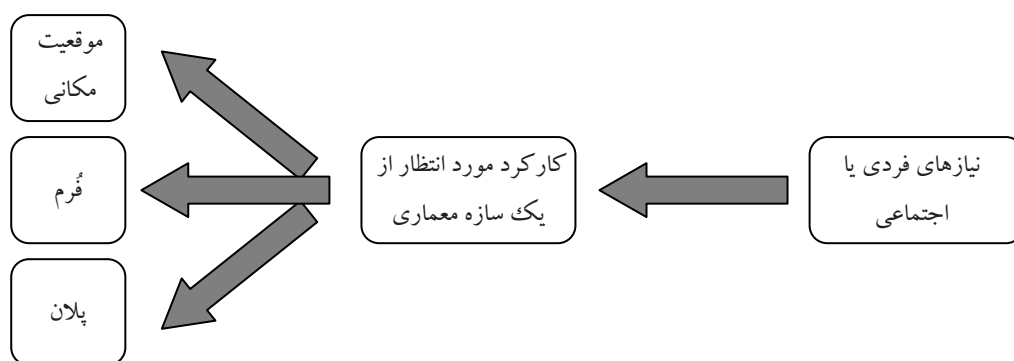
اما کاروانسرای بدشت با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، به نظر می‌رسد کارکردی فرای یک مهمان‌پذیر داشته است. با توجه به ویژگی‌های معماری این کاروانسرا و توصیفات تاریخی از آن در تذکره‌های جغرافیایی و سفرنامه‌های کهن می‌توان گفت، کاروانسرای بدشت نه تنها سرای موقت کاروانیان بوده، بلکه در مقاطعی از سال، میعادگاه زائران مشهد مقدس و عتبات عالیات محسوب می‌شده و در موسم عزاداری، میدانگاه برگزاری تعزیه و روضه‌خوانی واقع می‌شده است. کارکردهای مختلف کاروانسرای بدشت ناشی از نیازهای جامعه روستای بدشت است و کاروانسرای بدشت توانسته در قامت یک بنای عام‌المنفعه تمام عیار، نقش راستین خویش را در عرصه «مردم‌واری معماری ایرانی» به منصفه ظهور رساند.

سپاسگزاری

برداشت‌های میدانی این مقاله در راستای پروژه مرمت و احیای بنای تاریخی کاروانسرای بدشت، با حمایت شرکت مهندسین مشاور پدیده صامت انجام شده است. نگارنده‌گان بر خود لازم می‌دانند مراتب سپاس خود را از جناب آقای مهندس محمد زنده‌دل مدیر عامل شرکت و همکاران ایشان اعلام دارند.

فُرم و پلان یک سازه معماری را «کارکرد» آن سازه تعیین می‌کند و کارکرد سازه در پاسخ به مجموعه‌ای از نیازها تعریف می‌شود. به عبارت دیگر «نیاز»های فردی و اجتماعی، منشاء شکل‌گیری یک اثر معماری در یک نقطه خاص جغرافیایی است. (تصویر ۷)

کاروانسراها، گونه شاخصی از معماری به شمار می‌روند که الگوی فوق را عینیت بخشیده‌اند. ارتباط فضایی کاروانسراها با راه‌ها و سکونتگاه‌ها، ترکیب و سازماندهی فضایی و شکل ساختاری آن‌ها در پاسخ به نیاز کاروانیانی تکوین یافته که فاصله بین آبادی‌ها را می‌پیموند. از این رو اغلب کاروانسراها در مجاورت راه‌های باستانی و به فاصله یک منزلی از کاروانسرای بعدی احداث شده‌اند و از فضاهایی متناسب با نیاز کاربران خود بهره می‌برده‌اند. کاروانسراها عموماً صحن میانی و حجره‌ها و اتاق‌های پیرامونی دارند تا استراحتگاه مطمئنی برای مسافران فراهم آورند و ظاهری قلعه‌گونه با دروازه‌ای حصین دارند تا مأمین ایشان باشند. آنچه گفته شد «نیاز» مسافران را برآورده می‌ساخته و کارکرد اغلب کاروانسراهاست.



تصویر ۷- نیاز، هویت یک اثر معماری را تعیین می‌کند (مأخذ: نگارندگان).

منابع

- ابن حوقل، محمد بن حوقل، (۱۳۴۵)، *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، (۱۳۷۱). *المسالك و الممالک*. ترجمه سعید خاکرند. مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی، تهران.
- ابن رسته، احمد بن عمر، (۱۳۶۵)، *اعلاق النفیسه*. ترجمه حسین قره‌چانلو. امیرکبیر، تهران.
- ابن عبدالحق بغدادی، صفی‌الدین عبدالمومن، (۱۴۱۲)، *مراصد الإیطلاع علی أسماء الأمکنه و البقاع*. تصحیح علی محمد بجاوی، دارالجیل، بیروت.
- ادیسی، محمد بن محمد، (۱۴۰۹)، *نزهة المشتاق فی إختراق الآفاق*. عالم الکتب، بیروت.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۷۳)، *ممالک و مسالک*. ترجمه محمد اسعد بن عبدالله تستری. تصحیح ایرج افشار، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران.
- افضل‌الملک، غلامحسین، (بی‌تا). *سفرنامه خراسان و کرمان*، توس، تهران.
- اولتاریوس، آدام، (۱۳۶۳)، *سفرنامه اولتاریوس*. ترجمه احمد بهپور، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، تهران.
- اولیویه، گیوم آنتوان، (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*. ترجمه محمدطاهر قاجار، تصحیح غلامرضا وره‌رام. اطلاعات، تهران.
- پناهی سمنانی، محمداحمد، (۱۳۷۴)، *آداب و رسوم مردم سمنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۲)، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. پژوهنده، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۴)، *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. سروش دانش، تهران.
- حاجی قاسمی، کامبیز، (۱۳۸۴)، *کاروانسراها*. دانشگاه شهید بهشتی؛ روزنه، تهران.
- حکیم‌الممالک، علینقی، (۱۳۵۶)، *روزنامه سفر خراسان*. انتشارات

فرهنگ ایران زمین، تهران.

- حموی بغدادی، یاقوت بن عبدالله، (۱۳۸۰)، *معجم‌البلدان*. ترجمه علی‌نقی منزوی. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
- یاقوت حموی بغدادی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۵)، *معجم‌البلدان*. ج ۵. دار صادر، بیروت.
- شریعت‌زاده، علی‌اصغر، (۱۳۷۱)، *فرهنگ مردم شاهرود*. ناشر: مؤلف.
- شیندلر، هوتوم، (۱۳۵۶)، *سفرنامه خراسان (سه سفرنامه: هرات، مرو، مشهد)*. به اهتمام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو. توس، تهران.
- صنیع‌الدوله، محمدحسن‌خان، (۱۳۵۵)، *مطلع الشمس*. شرکت افست، تهران.
- صنیع‌الدوله، محمدحسن‌خان، (۱۳۵۶)، *مطلع الشمس*، ج ۳، شرکت افست، تهران.
- قدامه بن جعفر. *الخراج*، (۱۳۷۰)، ترجمه حسین قره‌چانلو. نشر البرز، تهران.
- کرمانی، حاجیه خانم علویه، (۱۳۸۶)، *روزنامه سفر حج عتبات عالیات و دربار ناصری*. تصحیح رسول جعفریان. نشر مورخ، قم.
- کیانی، محمدیوسف و ولفرام کلایس، (۱۳۷۳)، *کاروانسراهای ایران*. سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- کیانی، محمدیوسف، (۱۳۷۹)، «کاروانسراها» در محمدیوسف کیانی (و.)، *معماری ایران دوره اسلامی*، سمت، ص ۲۶۵-۲۹۴، تهران.
- لسترنج، گای، (۱۳۷۳)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران.
- هیلن برند، (۱۳۸۰)، *روبرت. معماری اسلامی*. ترجمه باقر آیت‌الله-زاده شیرازی. روزنه، تهران.
- بیت، چارلز ادوارد، (۱۳۶۵)، *خراسان و سیستان*. ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری. یزدان، تهران.